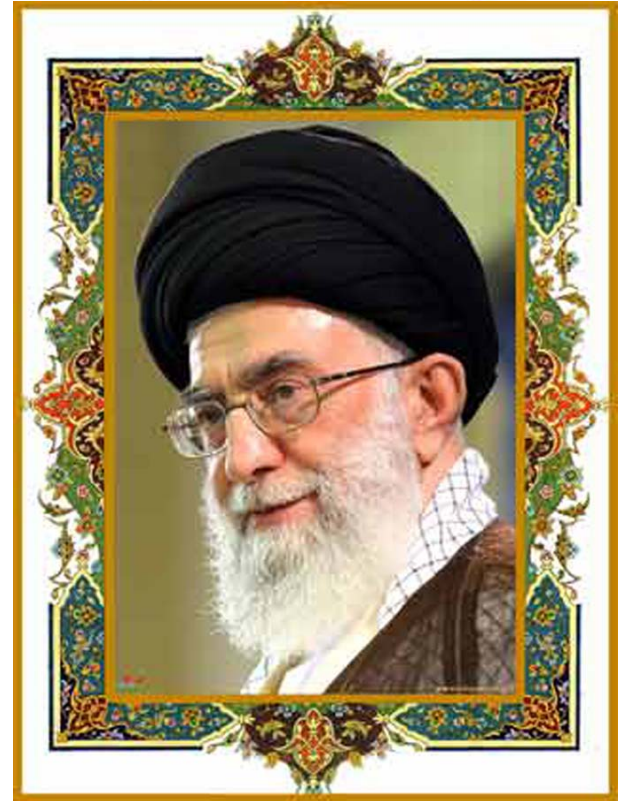


درس اخلاق مقام معظم رہبریں



«إن العبد إذا مات قالت الملائكة: ما قدم؟»؛ وقتی انسانی از دنیا می‌رود، ملائکہ می‌گویند: از جلو چه پیش فرستاده؟ «و قال الناس: ما أخرج؟»؛ مردم می‌گویند چه باقی گذاشته؟ آنچه در بین اهل دنیا متعارف است، این است که ببینند مُرده چقدر اموال و ثروت از خودش باقی گذاشته. اما آنچه در ملاً اعلیٰ مطرح است این است که می‌گویند قبلاً چه فرستاد؟ زاد و توشه‌ای که قبلاً برای این نشئه غربت فرستاده چیست؟ «فقدّموا فضلاً یکن لکم»؛ چیزی را که متعلق به شما خواهد بود، آنرا قبلاً بفرستید. آنچه قبلاً فرستادید، این متعلق به شماست. «فضل»، شاید مراد زیادی اموال باشد، یعنی از ما نخواستند که ل وازم زندگی و نیازهای ضروری زندگی را انفاق کنیم. آن زیادیه را انفاق کنیم، اگر فضل را به معنای زیادی گرفتیم یا اینکه بگوییم: آن چیزی که مایه فضیلت شماست که اعم از انفاق مالی و غیر مالی است، اینها را قبلاً آنجا بفرستید! مسافری که از پیش، زاد و توشه و وسائل زندگی را آنجا فرستاده، خانه را آماده کرده، خیلی راحت است. «و لا تؤخّروا کلاً یکن علیکم»؛ باقی نگذارید چیزی را که کلّ بر شماست، باری بر دوش شماست که علیه شما بکار خواهد رفت. گاهی چیزی از ما باقی می‌ماند که بعد از ما، میراث خواران ما آنچنان استفاده‌ای از او می‌کنند که مایه حسرت ماست. الحمدلله ما و شما از لحاظ وضع ثروت و مال، وضعمان معلوم است، ما جزء کسانی نیستیم که چیزی از خودشان باقی می‌گذارند. شاید در بین معممین هم باشند کسانی که آلف و اُوفی دارند، لکن عادتاً اینطور نیست. آنچه باقی می‌گذاریم فقط پول نیست که یکن علینا، گاهی یک عادت را، یک سنتی را، یک حرفی را، یک اقدام و ابتکاری را از خودمان باقی می‌گذاریم که گاهی یکن علینا، گاهی هم یکن علینا. حواسمان باشد. «فإن المحروم من حرم خیر ماله»؛ محروم واقعی آن کسی است که از خیر مال خود، یعنی آنچه در اختیار اوست، متعلق به اوست، از آن محروم بماند. می‌شناختیم، آدمهایی که پولهای فراوانی هم داشتند، معروف بود که اینها ثروت‌های عجیب و غریبی دارند، از دنیا رفتند، این ثروتها هم با آنها رفت، این ثروتها همین جا ماند، دیگرانی آمدند، مالک آن ثروتها شدند. محروم واقعی، این است. زحمت بکش! بدست بیاور! هر چند از حلال. آن که از حرام است، که واویلاست. آخرش هم نتوانی خودت استفاده کنی! «و المغبوط من ثقل بالصدقات و الخیرات موازینه»؛ مغبوط کسی است که غبطه و سود برده، آن کسی است که موازین او از خیرات و صدقات سنگین باشد. موازین در قرآن علی الظاهر به دو معنا می‌آید، یکی به معنای میزان است، یکی به معنای موزون است؛ و نضع الموازین القسط. اینجا موازین، جمع میزان است، یعنی ترازو. اما آنجایی که می‌فرماید: «فمن ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیة»؛ ظاهراً موازین، جمع موزون است. آنچه انسان در ترازو می‌گذارد، اگر این زیاد باشد، سنگین باشد «فهو فی عیشة راضیة».

بنابراین، موازین در اینجا به همان معنای جمع موزون باید باشد، در یک جاهایی هم جمع میزان است. (امالی، ص ۱۷۲)